فصلنامهٔ علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۸

بازسازی معنائی پیامدهای تغییرات اقتصادی در منطقهٔ اورامان تخت کردستان ایران: ارائهٔ یک نظریهٔ زمینه‌ای

احمد محمد پور*، محمدتقی ایمان**

طرح مسأله: *پژوهش حاضر در صدد است از رویکرد تفسیرگرائی اجتماعی به بررسی و بازسازی معنائی پیامدهای تغییرات اقتصادی در منطقهٔ اورامان تخت از منظر ساکنان آن سامان بپردازد. طی چند سال اخیر، یک سری تغییر و تحولات اقتصادی شامل پیدایش مشاغل اقتصادی جدید و مهاجرت‌های کاری در این منطقه پدید آمده‌اند؛ درک و تفسیر مردم از شرایط، فرآیند و پیامدهای این تغییرات از اهمیت بسزایی برخوردار است.*

روش: *روش‌شناسی پژوهش حاضر، روش‌شناسی کیفی است و از روش قوم‌نگاری برای انجام عملیات تحقیق استفاده شده است. جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات و ارائهٔ نظریهٔ نهایی از روش نظریه زمینه‌ای استفاده شده است.*

یافته‌ها: *یافته‌های به‌دست آمده شامل هشت مقولهٔ عمده است که عبارت‌اند از: مشکلات اکولوژیکی، محدودیت منابع، فقر اقتصادی مزمن، گسترش بخش خدمات جدید، مهاجرت‌های کاری، دولت محوری اقتصادی، استقبال از تغییرات، و ارزیابی تطبیقی مثبت. مقولهٔ هستهٔ این بررسی "ارتقاء معیشتی" است که سایر مقولات عمده را در بر می‌گیرد.*

نتایج: *بر اساس این مقوله، مردم اورامان پیامدهای تغییرات اقتصادی را به مثابهٔ ارتقاء معیشتی و یا به عبارتی بهبود وضعیت زندگی اقتصادی خود تفسیر می‌کنند. نظریهٔ مذکور در قالب یک مدل پارادایمی شامل سه بعد شرایط، تعاملات و پیامدها ـ که خود بیان‌گر نظریه زمینه‌ای نهائی می‌باشد ـ ارائه شده است.*

کلید واژه‌ها: تغییرات اقتصادی، تفسیرگرائی اجتماعی، مدل پارادایمی، منطقهٔ اورامان تخت، نظریهٔ زمینه‌ای

تاریخ دریافت: ۸۶/۲/۴ ***تاریخ پذیرش: ۸۷/۶/۵***

* دکتر جامعه‌شناس، عضو هیأت علمی دانشگاه بوعلی سینا، همدان <a_mohammadpur@yahoo.com>

** دکتر جامعه‌شناس، عضو هیأت علمی دانشگاه شیراز

مقدمه

پارادایم‌های مسلط در علوم اجتماعی (شامل رویکردهای اثباتی، انتقادی و تفسیری) هر کدام با رویکردی خاص به فرآیند تغییر وتحولات اجتماعی می‌پردازند. در رویکرد اثبات‌گرایی، تغییر و تحول اجتماعی باید از الگویی خاص، جهان‌شمول و از پیش تعیین شده پیروی کند که در خدمت ایجاد نظم اجتماعی، قاعده‌مندی و تعین‌پذیری باشد. از این نظر، تغییر و تحول اجتماعی فرآیندی است نخبه محور، منظم و دارای قواعدی فرا زمان و مکان که صرفا می‌توان آن‌ها را کشف، پیش‌بینی و کنترل کرد. این رویکرد بر اصالت محیط تأکید داشته و معتقد است محیط اعم از شکل طبیعی یا اجتماعی آن در شکل‌گیری واقعیات اجتماعی و نیز اصول کشف و پیش بینی آن‌ها تأثیرگذار است (Berg, 2001; Neuman,2006).

بر خلاف رویکرد اثباتی، دیدگاه انتقادی بر این باور است که فرآیند تغییر و تحول فرآیندی آمیخته به قدرت و سلطه است. این واقعیت هم درگیر و آمیخته به قدرت و ارزش‌های کاذب بوده و هم توسط منابع مسلط توجیه، اجرا و کنترل می‌شود (Thomas,1993; Calhoun,1995). رویکرد انتقادی با چشم‌اندازی انسان‌گرایانه معتقد است که باید فرآیندهای زیرین و پشت سر واقعیات اجتماعی بررسی و افشا شده و جریان‌های زیرین شکل‌دهنده به واقعیات شفاف‌سازی شوند. رویکرد انتقادی اصالت را به انسان (افشاگر و تغییردهنده) می‌دهد و بر این باور است که تغییر و تحول اجتماعی باید معطوف به رهائی انسان از بندهای سلطه و نیز مبتنی بر ارزش‌های اجتماعی درست باشند (Fay, 1996; Neuman,2006).

رویکرد تفسیر گرایی اجتماعی، که رویکرد اصلی این مقاله مبتنی بر آن است، معتقد است که با توجه به خلاق بودن ماهیت انسان و نیز سیال بودن واقعیت اجتماعی، نمی‌توان مسیر و روش خاص برای درک واقعیات و یا ایجاد تغییر در آن‌ها پیشنهاد کرد (Guba, et al., 1985; Patton, 2001; Neuman,2006). از آن‌جا که منبع و مرجع نهائی هرگونه ساخت و ساز و تغییر در واقعیات اجتماعی همان انسان است، پس، درک انسان‌ها از واقعیات، تغییر در واقعیات و چگونگی معنادار کردن آن‌ها بسیار مهم است. به‌علاوه، با

توجه به این‌که واقعیات اجتماعی به مثابهٔ امور برساختهٔ انسانی فاقد قوانین از پیش تعیین شده بوده و دائماً در حال شدن هستند، لذا نمی‌توان الگوئی جهان شمول و عام برای واقعیات اجتماعی و نیز تغییر و دستکاری در آن‌ها وضع کرد. این واقعیات نه تنها قابل کشف و کنترل نیستند، بلکه صرفاً می‌توانند درک و تفسیر شوند (Bryman, 1988; Seale, 1998; Creswell,2001; Neuman, 2006; Blaikie, 2007).

در این پژوهش سعی می‌شود با رویکردی تفسیرگرایانه و با استفاده از نظریهٔ زمینه‌ای[1] به بازسازی معنائی پیامدهای تغییرات اقتصادی در منطقه اورامان[2] تخت پرداخته و نشان داده شود مردم این منطقه چه درکی از پیامدهای این تغییرات دارند، آن‌ها را چطور درک کرده و چگونه ارزیابی می‌کنند.

۱) طرح مسأله

نوشتار حاضر در صدد است با رویکرد تفسیرگرایانه به بازسازی معنائی پیامدهای تغییرات اقتصادی در منطقه اورامان تخت از توابع شهرستان مریوان واقع در غرب استان کردستان ایران بپردازد. در این نوشتار سعی شده است که از نقطه نظر افراد درگیر و بومی منطقه به پیامدهای تغییرات اقتصادی توجه شود. این منطقه در طول چند سال اخیر تغییرات متعددی را تجربه کرده است، بدین معنا که ورود برخی عناصر توسعه نظیر ارتباطات، حمل و نقل، فعالیت‌های اقتصادی خدماتی جدید، برخورداری از تسهیلات رفاهی جدید مانند برق، گاز، تلفن، وسائل نقلیه ماشینی و غیره باعث شده است که زندگی اقتصادی در این منطقه تا اندازه‌ای متحول شده و از شکل سنتی آن فاصله گیرد. نکتهٔ اساسی آن است که مردم اورامان تخت، این واقعیات جدید را می‌بینند، آن را تجربه می‌کنند و به‌علاوه آن را تفسیر و درک می‌کنند، درک و تفاسیر مذکور هم دارای صور ذهنی و هم صور خارجی و عینی است؛ از این رو، درک این صور نیاز به مطالعه و بررسی دارد.

1. Ouraman-e-Takht
2. Grounded Theory

۱-۱) اهمیت و اهداف مطالعه

مطالعهٔ حاضر با اتخاذ رویکرد تفسیرگرایانهٔ اجتماعی بر این نکته تأکید دارد که با تغییر در محیط انسان‌ها نمی‌توان رفتار و درک آن‌ها از پیرامون‌شان را پیشاپیش شناخته و درک کرد، چرا که این انسان‌ها هستند که محیط اجتماعی خود را خلق کرده و آن‌طور که می‌خواهند تفسیر می‌نماید. از این رو، تغییر در نظام اقتصادی یا معیشتی یک جامعه با هر گونه پیش فرضی بیان‌گر آن نیست که ذهنیت و درک مردم آن جامعه در فرآیند این تغییرات در نظر گرفته شده و یا درک شده است؛ هم‌چنین بیان‌گر آن نیست که پیامدهای تغییرات مذکور همواره آن‌طور که مد نظر برنامه ریزان توسعه است، تجربه می‌شود.

گرچه هدف توسعه و یا ایجاد هر نوع تغییر، بهرمندی و خوشبختی انسان‌های درگیر است، اما این نکته اهمیت دارد که آیا آن‌چه انجام شده است در راستای خوش بختی انسان‌ها بوده است یا برعکس، مردم آن جامعه تعریف یا درک متفاوتی از توسعه و رفاه دارند (Chambers, 2005). به عبارت دیگر، نکتهٔ مهم این است که انسان‌ها اساساً این تغییرات را چطور می‌بینند و چه تلقی و ارزیابی از آن دارند. بر همین اساس، درک نظام معنائی و ذهنی افراد درگیر از اهمیت کلیدی برخوردار است، بدین معنا که ذهنیت‌های جامعهٔ مورد نظر، که خود به یک درک کلی و نسبتاً مشترک منجر می‌شود، مورد مطالعه قرار می‌گیرد (Turner, 2003). بنابراین، چنان‌چه این نظام و مکانیسم ذهنی و تفهمی آن درک شود، نه تنها می‌توان درک انسان‌ها از دنیای پیرامون‌شان را شناخت، بلکه می‌توان به جلب درگیری و مشارکت همدلانه و عملی آن‌ها هم در مسیر توسعه و تغییر اجتماعی کمک کرد. بر همین اساس، هزینه‌های متفاوت اقتصادی ناشی از عدم مشارکت و مقاومت سنتی در برابر تغییرات و پیامدهای جانبی آن نیز کاهش می‌یابد (Sardan, 2005). هدف کلی این تحقیق «بازسازی معنائی پیامدهای تغییرات اقتصادی در منطقهٔ اورامانات تخت واقع در کردستان» است. اهداف خاص‌تر این تحقیق را می‌توان به شرح زیر مقوله‌بندی کرد.

الف) از نظر مردم اورامان تخت چه تغییر و تحولاتی در ساختار اقتصادی جامعهٔ آنان رخ داده است؟

ب) مجاری و منابع این تغییرات از نظر آن‌ها کدام‌اند؟
ج) مردم این منطقه پیامدهای این تغییرات را چگونه درک و تفسیر می‌نمایند؟
د) ارائهٔ یک مدل پارادایمیک شامل سه بعد شرایط، تعامل و پیامد بر اساس نظریهٔ زمینه‌ای

۲-۱) چارچوب مفهومی

تحقیقات کیفی، برخلاف پژوهش‌های کمی که مبتنی بر یک چارچوب نظری جهت نظریه آزمائی هستند، از چهارچوب مفهومی استفاده می‌کنند. چهارچوب مفهومی مجموعه مفاهیم به هم مرتبطی را شامل می شود که بر مفاهیم عمدهٔ مورد مطالعه تمرکز دارد و آن‌ها را در قالب یک نظام منسجم و مرتبط معنایی به همدیگر پیوند می‌دهد (Patton, 2001; Maxwell, 2004; Ritchie, et al., 2005). در تحقیق حاضر از رویکرد جامعه‌شناختی تفسیری (یا علوم اجتماعی تفسیری) برای تدوین چارچوب مفهومی استفاده شده است.

دیدگاه تفسیری انسان را به مثابهٔ موجودی فعال، خلاق و معناساز تعریف می کند که مدام در حال ساخت و ساز و نیز معنادارکردن زندگی اجتماعی و واقعیات اجتماعی روزمره است. بنابراین محیط اجتماعی بر خلاف رویکرد اثباتی به خودی خود فاقد معناست و توسط انسان‌ها از طریق الصاق معانی و نمادهای عینی معنادار می‌شود. اگر انسان موجودی باشد خلاق و معناساز، بنابراین، واقعیاتی که توسط انسان ساخته می‌شوند هم، سیال، شناور، فاقد ساختار و قواعد یکنواخت و جهان شمول خواهند بود. از این رویکرد، واقعیات اجتماعی همواره در حال شدن هستند. از آن‌جا که انسان‌ها خلاقانه واقعیات متفاوتی را می‌سازند؛ بنابراین هیچ مدل عام و فراگیری از واقعیات نیز وجود نخواهد داشت بلکه این مدل‌ها براساس موقعیت‌ها، وضعیت‌ها، شرایط و تجربیات افراد درگیر متفاوت خواهند بود (Patton, 2001; Elliott, et al., 2001; Denzin, 2005). در چنین شرایطی این نکته معرفت شناختی مطرح می‌شود که هدف پژوهش چیست و محقق تفسیرگرا در فرآیند پژوهش به دنبال چیست؟

براساس رویکرد تفسیری، هدف پژوهش علمی درک و فهم معنای رفتارها یا کنش‌های متقابل معنادار افراد است که در سطوح بالاتر کنش، تبدیل به یک سری ساختارها و واقعیات عینی کلان‌تر می‌شوند (Layder, 1997; Turner, 2003; Ritzer, 2004). طبق رویکرد تفسیری، منابع دانش و معرفت در تعاملات و کنش‌های متعارف و روزمرهٔ افراد نهفته است و چیزی خارج از کنش متقابل مردم معنادار نیست. بنابراین دانش عامیانه منبع عمدهٔ معرفت و دانش است و روش علمی باید بر این منابع تکیه کند. براساس این رویکرد، دانش نه توسط تعداد خاصی از افراد یا نخبگان جامعه (مانند رویکرد اثباتی) بلکه توسط کلیهٔ افراد جامعه تولید و باز تولید می‌شود. در این فرآیند، محقق نیز خود عنصری از جامعه و درگیر تعاملات مذکور است، بنابراین سوژه و ابژه یا فاعل و مفعولِ شناخت یکی است؛ بدین معنا که محقق ضمن این‌که تحقیق می‌کند، مورد تحقیق هم قرار می‌گیرد. با توجه به انسانی بودن فرآیند تحقیق، ارزش‌های اجتماعی نه تنها قابل حذف نیستند بلکه در کل فرآیند تحقیق حضور داشته و می‌توانند بر چگونگی تعاملات و درگیری‌های محقق تاثیرگذار باشند (Giddens, 1984; Collins, 1994; Ritzer, 2004; Denzin, 2005). بر همین اساس، در این تحقیق سعی شده است با استفاده از روش مردم‌نگاری[1] ـ که یکی از روش‌های عمدهٔ تحقیق کیفی است ـ با ورود به نظام معنائیِ جامعهٔ تحت مطالعه به بررسی و بازنمائی درک و تفسیر مردم از پیامدهای تغییرات اقتصادی پرداخته شود.

۲) روش مطالعه

با توجه به این‌که هدف این تحقیق بازسازی معنائی پیامدهای تغییرات اقتصادی در منطقهٔ اورامانات تخت کردستان ایران از نقطه نظر اهالی آن سامان است، لذا روش‌شناسی کیفی به عنوان روش‌شناسی غالب و روش تحقیق مردم‌نگاری برای انجام عملیات تحقیق انتخاب شده است.

مردم‌نگاری عبارت است از مطالعهٔ مردم در یک محیط اجتماعی طبیعی به وسیلهٔ ابزارها

1. Ethnography

و روش‌هایی که بتوان به معانی اجتماعی و فعالیت افراد در محیط‌های طبیعی دست پیدا کرد. در این روش تحقیق، محقق مستقیماً در محیط و میدان مورد مطالعه مشارکت می‌کند. (Reinhartz,1992; Stake,1995:107; Emerson et al.1995; Brewer,1998:19; Fetterman, 1998; Atkinson et al.1999; Lee, 2000; Esterberg, 2002; Sharan,2002; May,2002; Adkins,2002:332; Neuman, 2006).

۱-۲) جامعهٔ آماری و روش نمونه‌گیری

منطقهٔ اورامان تخت در غرب استان کردستان ایران و در حد واسط شهرهای مریوان، سروآباد و پاوه واقع شده است. منطقهٔ اورامان نه تنها محل زندگی کردهای اورامی است، بلکه به لحاظ جغرافیائی و اکولوژیکی نیز از دیگر نقاط کردستان متمایز است. وجود منطقهٔ کوهستانی نسبتا سخت بر شیوهٔ زندگی و معیشت ساکنان آن‌ها تأثیر شگفت انگیزی گذاشته است. شناخت این ویژگی‌ها، مشخصه‌ها و تأثیرات آن بر زندگی مردم آن منطقه بسیار مهم است. به‌علاوه در خلال چند سال اخیر، جامعهٔ اورامان تغییر و تحولات گوناگونی (از قبیل پیدایش فعالیت‌های جدید اقتصادی نظیر مشاغل اداری، مغازه‌داری و رانندگی، آموزش و بهداشت مدرن، تسهیلات رفاهی جدید مانند برق، تلفن، گاز و نظایر آن) را تجربه کرده است که بر شیوهٔ زندگی و فرهنگ آنان موثر بوده است، اما میزان و گستردگی ورود عناصر نوسازی و توسعه به این جامعه چندان مورد عنایت محققان واقع نشده و شناخته شده نیست.

منطقهٔ اورامان تخت دارای سیزده روستا است که تقریبا همهٔ آن‌ها در اطراف رودخانه سیروان قرار گرفته‌اند. معیشت عمدهٔ مردم منطقه مبتنی بر دامداری، باغداری، کشاورزی خرده پا و سطحی، تجارت مرزی و تا حدی کارگری در شهرستان‌های مریوان و تهران است. آب و هوای این منطقه از اواسط بهار تا آغاز پائیز بسیار گرم و خشک است و در فصول پائیز و زمستان نیز سرمای سخت بر این منطقه حکم‌فرماست. مردم منطقه در فصول گرم به نواحی ییلاقی کوچ کرده و بین سه تا ۵ ماه از سال را در آن‌جا می گذرانند. در

منطقهٔ اورامان تخت حدود ۱۷منطقهٔ ییلاقی وجود دارد که در نواحی دور و نزدیک از روستاها و در ارتفاعات قرار گرفته‌اند.

شیوهٔ نمونه‌گیری در تحقیقات کیفی ـ میدانی، نمونه‌گیری کیفی[1] است که بدان نمونه‌گیری هدف‌مند[2] و یا نمونه‌گیری نظری[3] نیز گفته می‌شود. نمونه‌گیری نظری براساس مفاهیمی صورت می‌گیرد که در خلال تحلیل ظهور می‌یابند. در نمونه‌گیری نظری که مخصوصاً در نظریه زمینه‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد، می‌توان نه فقط از افراد، بلکه از رویدادها، فضاها، وقایع و موقعیت‌ها نیز نمونه‌گیری کرد. این نوع نمونه‌گیری دارای خصوصیت انباشتی بوده و مبتنی بر نمونه‌های قبلی است (Strauss, et al., 1998: 202-203). برای گردآوری اطلاعات نیز محقق کیفی با افرادی تماس برقرار می‌کند که در زمینهٔ موضوع تحت بررسی یا جنبه‌هائی از آن دارای اطلاعات و شناخت مناسب و نسبتا کافی باشند. این افراد را اصطلاحا مطلع و یا دروازه بان[4] می‌خوانند (Johnson, 1989:82; Erlandson, 1993:83; Fetterman, 1998; Denzin, 1998; Sharan, 2002:62; Neuman, 2006). در این روش نمونه‌گیری که خاص تحقیقات میدانی ـ کیفی است، تعداد افراد مورد مصاحبه، یا به عبارت دیگر، حجم نمونه به اشباع نظری[5] سؤالات مورد بررسی بستگی دارد (Strauss, et al., 1998:292). در این بررسی، ضمن انجام مشاهدهٔ مشارکتی در میدان تحقیق، با ۵۶ نفر از ساکنان منطقه مصاحبهٔ باز شد و سپس داده‌های گردآوری شده با استفاده از نظریهٔ زمینه‌ای استخراج و تحلیل شدند.

1. Qualitative Sampling
2. Purposive Sampling
3. Theoritical Sampling
4. Gatekeeper
5. Theoretical Saturation

۲-۲) روش گردآوری اطلاعات

در پژوهش‌های مردم‌نگارانه و جهت ارائهٔ نظریهٔ زمینه‌ای، از طیفی از روش‌ها جهت گردآوری داده‌ها و اطلاعات استفاده می‌شود که عبارت‌اند از: مشاهدهٔ مشارکتی، مصاحبه‌های ساخت نیافته و باز و بررسی‌های اسنادی (Jorgenson, 1989: 12; Bryman, 1988: 45; Liobera, 1998; May, 1998: 110-115; Sanjek, 1990; Echardt, 1997: 27; Hammersly, et al., 1997; Sirken, 1999; Lee, 2000; Denzin, 1998; Liamputtong, 2001; Oriely, 2005).

داده‌های موجود در تحقیق حاضر با استفاده از روش‌های مشاهدهٔ آزاد، مشاهدهٔ مشارکتی و مصاحبهٔ باز گردآوری شده‌اند.

۲-۳) تجزیه و تحلیل اطلاعات

در مطالعهٔ حاضر از نظریه زمینه‌ای برای تحلیل داده‌های گردآوری شده استفاده شده است. نظریهٔ زمینه‌ای ابتدا در سال ۱۹۶۷ توسط بارنی گلاسر (Barney Glaser) و آنزلم اشتروس (Anselm Straus) در کتاب آنان تحت عنوان **کشف نظریهٔ زمینه‌ای** معرفی شد و سپس توسط محققان کیفی در رشته‌های دیگری مانند مدیریت، پرستاری، بازاریابی، مشاوره و انسان‌شناسی به کار گرفته شد. نظریهٔ زمینه‌ای یک نظریه مسأله محور و مبتنی بر ارتباط دادن مراحل و گام‌هایی است که به ایجاد ساختار نظری یک مسأله کمک می‌کند. در فرایند ساخت نظریهٔ زمینه‌ای، داده‌های گردآوری شده به مفاهیم یا کد تبدیل و در یک پیوستار فرایندی به هم متصل می‌شوند. این نظریه، یک نظریهٔ برد متوسط، انتزاعی و مبتنی بر یک متغیر تحلیلی هسته‌ای است (Glaser, et al., 1967; Morse, 2001:2,5; Schereiber, 2001:62).

برای ارائهٔ نظریهٔ زمینه‌ای ـ که در پژوهش حاضر به عنوان روش تحلیل داده‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد ـ سه مرحلهٔ کدگذاری داده‌ها وجود دارد که به ترتیب عبارت‌اند از

کدگذاری باز[1]، کدگذاری محوری[2] و کدگذاری گزینشی[3]. کدگذاری عبارت است از یک فرایند تحلیلی که طی آن داده‌ها تفکیک، مفهوم‌بندی و یکپارچه می‌شوند، به گونه‌ای که بتوانند نظریه نهائی را شکل دهند. در فرایند کدگذاری، واحد تحلیل "مفهوم" است (Glaser, et al., 1967; Strauss, et al., 1998; Neuman, 2006). در مرحلهٔ کدگذاری باز، مفاهیم اولیه، در مرحله کدگذاری محوری، مقولات عمده و در مرحلهٔ کدگذاری محوری، مقولهٔ هسته[4] استخراج می‌شود. این مقوله باید قدرت تحلیلی داشته و دیگر مقولات را نیز در خود جای دهد (Strauss, et al., 1998: 123). کدبندی گزینشی مستلزم بررسی دقیق داده‌ها و کدهای دو مرحلهٔ قبلی است (Walsh, 1998:23; Schereiber, 2001:71; Neuman, 2006:423). بعد از تعیین مقولهٔ محوری یا هسته، سایر مقولات حول مقولهٔ محوری در قالب یک مدل پارادایمیک ترسیم می‌شوند. این مدل که در واقع همان نظریهٔ زمینه‌ای یا نظریهٔ مبتنی بر داده‌هاست باید دارای سه بعد شرایط، تعاملات و پیامدها باشد.

۳) یافته‌ها

همان‌طور که در بخش میدان مطالعه بیان شد، جامعهٔ اورامان در طول چند سال اخیر پذیرای یک سری تغییرات اقتصادی شده است. به‌طور مختصر، تغییرات مذکور عبارت بودند از ورود برخی مشاغل خدماتی جدید نظیر مشاغل اداری ـ کارمندی، رانندگی، مغازه‌داری، تجارت و مهاجرت به شهرهای دیگر نظیر مریوان و تهران به قصد فعالیت‌های ساختمانی و کارگری. پیدایش این فعالیت‌ها توانسته است سبک زندگی آن‌ها را تا حدی متحول کرده و بر وضعیت معیشت آن‌ها موثر باشد. بعد از استخراج و کدبندی اطلاعات مربوط به درک و تفسیر تغییرات اقتصادی، در مرحلهٔ کدبندی باز، ۴۷ مفهوم استخراج

1. Open Coding
2. Axial Coding
3. Selective Coding
4. Core Category

شدند که در مرحله کدبندی محوری در قالب ۸ مقولهٔ عمده مقوله‌بندی شدند. این مقولات عبارت‌اند از: مشکلات اکولوژیکی، محدودیت منابع، گسترش بخش خدمات، مهاجرت‌های کاری، دولت‌محوری اقتصادی، استقبال از تغییرات ایجاد شده، فقر اقتصادی مزمن و ارزیابی تطبیقی مثبت. این مقولات هشت‌گانهٔ عمده در مرحله کدبندی گزینشی به استخراج «یک مقوله هسته» منتهی شد که مقولهٔ محوری و اساسی تحقیق را شامل می‌شود. مقولهٔ هسته ـ محوری نهائی این بررسی «ارتقاء معیشتی» است. در زیر به اختصار به هر یک از مقولات هشت گانه و سپس مقوله هسته پرداخته می‌شود.

۳-۱) مشکلات اکولوژیکی

اورامان تخت منطقه‌ای است بسیاری کوهستانی و خشن و به لحاظ جغرافیائی دارای موانع طبیعی متعددی است که زندگی ساکنان آن را بسیار تحت تأثیر قرار داده و در تماس اولیه توجه محقق واقع شده است. علی‌رغم وجود کوه‌های بلند و صخره‌ای، دره‌های عمیق، آب و هوای گرم و خشک در تابستان و زمستان‌های خشن مردم اورامان در طول تاریخ سعی داشته‌اند با محیط خود به گونه‌های متعدد انطباق پیدا کرده و با آن سازگار شوند. با این وجود، مردم منطقه نسبت به مشکلات جغرافیائی خود بی‌تفاوت نبوده و همواره به موانع برخاسته از آن توجه داشته‌اند. یکی از مشارکت‌کنندگان تحقیق عنوان می‌کند: «ما اورامی‌ها چه در گذشته و چه در حال معیشت وگذران زندگی سختی داشته‌ایم، چون این‌جا همان‌طور که شما دارید می‌بیند همه‌اش کوه است، دره است، صخره است، حتی خاک هم زیاد نیست، اینجا واقعا جای زندگی نیست. مردم به سختی گذران زندگی می‌کنند. الان یک مقدار وضع زندگی بهتر شده است، مردم راحت‌تر زندگی می‌کنند. کسی حریف این منطقه سخت و خشن نمی‌شود».

۳-۲) محدودیت منابع

با توجه به اوضاع جغرافیائی سخت، در این منطقه منابع طبیعی محدودی وجود دارد. این محدودیت شامل فقدان زمین هموار برای کشاورزی، زمین‌های باغی، مراتع کافی و نسبتا

مناسب جهت دامداری و نیز ظرفیت‌های طبیعی دیگر می‌شود که می‌تواند معیشت ساکنان منطقه را تحت تاثیر دهد. زندگی اکثر خانواده‌های اورامی به کشاورزی سطحی، باغداری خرده پا و دامداری محدود به چند راس دام وابسته است. به‌علاوه، قسمت زیادی از سال (بین ۳ تا ۵ ماه) را در نواحی ییلاقی می‌گذرانند و بدین ترتیب با مشکلات اقتصادی جدی روبه‌رو هستند. از طرف دیگر در اورامان منابع اقتصادی دیگری وجود ندارد که بتوان از طریق آن امرار معاش کرد. یکی از مصاحبه شوندگان در این‌باره خاطر نشان می‌سازد: «مردم اینجا زحمات زیادی می‌کشند، کوچ‌نشینی شغل اصلی بسیاری از ماست. سرمایه مالی هر خانواده‌ای را اگر حساب کنی، شاید آنقدر نباشد که انسان رویش بشود که بگوید. یعنی اینقدر پائین است. در اینجا هر خانواده‌ای چند راس دام هم دارد و کمتر مشغول کشاورزی هستند، چون زمین زیادی وجود ندارد. تعدادی کمی هم به باغداری مشغولند. این وضع باغداری هم کفاف زندگی ما را نمی‌دهد».

محدودیت منابع زراعی، دامی، باغی و غیره باعث شده است مردم اورامان نسبت به ایجاد هرگونه فرصت شغلی و تغییر اقتصادی در جامعه خود خوش‌بین باشند و از آن استقبال کنند.

۳-۳) فقر اقتصادی مزمن

فقر و وضع نامساعد معیشتی شاید تنها چیزی باشد که بعد از کوه‌های سر به فلک کشیده و محیط کوهستانی اورامان به چشم بخورد. در تمام دورهٔ تحت مطالعه، فقر و درآمد پائین اکثر ساکنین منطقه برای محقق بسیار آزاردهنده بوده است. زندگی بسیاری از خانواده‌ها به پرورش چند راس گوسفند و بز وکوچ‌نشینی چند ماهه محدود می‌شود. برخی دیگر به باغداری محدود و برخی دیگر نیز درگیر فعالیت‌های اقتصادی مانند قالی‌بافی، گیوه‌بافی و کارگری هستند. به‌طور کلی مردم به سختی معیشت خود را تامین می‌کنند. البته به قول ساکنین منطقه، زندگی آن‌ها مخصوصا در گذشته و قبل از پیدایش شرایط اجتماعی کنونی بسیار بدتر بوده است. گرچه هنوز نیز از نظر آنان این فقر کماکان وجود دارد، اما با

وضعیت گذشته قابل قیاس نیست. یکی از افراد مورد مصاحبه دربارهٔ زندگی گذشته‌اش چنین می‌گوید: «تا جائی که یادم می‌آید تنها وسیلهٔ کاسبی اکثر مردم در کنار چند راس دام و یک مقدار باغداری، یک الاغ بوده که با آن کار و کاسبی می‌کردیم. انگور و گردو می‌بردیم جاهای دیگر می‌فروختیم. در آن زمان نان به سختی گیر می‌آمد؛ یک چراغ فانوس بیش‌تر نداشتم. همه‌اش فقر و نداری بود. البته الان هم مردم فقیر هستند اما وضع بهتر شده است، به سختی گذشته نیست، یک جوری می‌توان کاری پیدا کرد».

روی‌هم‌رفته تغییرات ایجاده شده در زندگی مردم اورامان گرچه محدود به نظر می‌رسد اما اکثر آنان در مقایسه با زندگی سخت گذشته خود، آن را مثبت ارزیابی می‌کنند.

۴-۳) گسترش بخش خدمات

در نتیجهٔ محدودیت منابع طبیعی، تعدادی از مردم اورامان به مشاغل جدیدی روی آورده‌اند که بتوانند از طریق آن وضع اقتصادی خود را بهبود بخشند. مشاغل عمده‌ای که پدید آمده‌اند شامل مشاغل کارمندی به‌ویژه معلمی، رانندگی و مغازه‌داری است. در هر یک از روستاهای اورامان تعدادی از افراد به مشاغل فوق می‌پردازند. آن‌ها در مقایسه با دیگر ساکنین وضع اقتصادی نسبتاً بهتری دارند، گرچه ممکن است درآمد حاصله از برخی از این مشاغل مانند مغازه‌داری چندان زیاد نباشد. یکی از ساکنین چنین می‌گوید: «بله، الان یک مقدار وضع بهتر شده است. مشاغلی مانند کارمندی، مغازه‌داری و حتی رانندگی آمده است. عده‌ای هم مشغول تجارت مرزی و یا غیره هستند. به نسبت قدیم وضع زندگی بهتر شده است. مردم تا حدی راحت‌تر شده‌اند. البته دوست داریم تعداد این فعالیت‌ها هم بیشتر شود و هم متنوع‌تر باشد، هرچه باشد فقط حلال باشد».

درگیر شدن مردم اورامان در فعالیت‌های جدید باعث شده است که سطح زندگی مردم نسبتا تغییر کند. این تغییر و پیشرفت در مقایسه با گذشته ارزیابی شده است و مردم از تغییرات حاصله نسبتا راضی هستند. در کنار رشد بخش خدمات به عنوان راهبردی جهت پیشرفت اقتصادی، مهاجرت‌های کاری نیز در منطقه بسیار افزایش یافته است.

۵-۳) مهاجرت‌های کاری

هم‌چنین در واکنش به محدودیت منابع و نیز امکانات اقتصادی در منطقه اورامان، در طول چند سال اخیر، تعداد زیادی از خانواده‌های اورامی و یا برخی از جوانان روستا به صورت دائم یا موقت در جستجوی یافتن کار دست به مهاجرت زده‌اند. آن‌ها معمولا یا به شهر مجاور (مریوان) و یا عمدتا به شهر تهران مهاجرت می‌کنند و به فعالیت کارگری و یا نگهبانی از اماکن دولتی یا صنعتی مشغول هستند. تعدادی نیز به فعالیت‌های ساختمانی می‌پردازند. جوانان مهاجر چندین ماه را در شهرهای مریوان یا تهران به سر می‌برند. برخی از آنان در این شهرها ماندگار شده و برخی دیگر به زادگاه خود اورامان برمی‌گردند. بسیاری از مردم اورامان از طریق کارگری در شهرهای دیگر مقداری سرمایه کسب کرده و به کمک آن فعالیت اقتصادی جدیدی مانند رانندگی فراهم کرده‌اند. برخی دیگر نیز صرفا به تامین هزینه‌های خانواده بسنده کرده‌اند. مهاجرت از نظر مردم اورامان واکنش و برخوردی عمومی است که در پاسخ به شرائط سخت زندگی اندیشیده شده است. یکی از ساکنین منطقه می‌گوید: «..... وضع اقتصادی ما چندان خوب نیست. مردم این‌جا همیشه اسیر کار و گرفتاری هستند؛ یعنی در دوازده ماه سال کار می‌کنند و زحمت می‌کشند. اکثر جوانان هم برای کارگری می‌روند تهران. آن‌جا یا کارگری می‌کنند یا در شرکتی، جایی مشغول هستند، خوب مردم چه کنند، باید بلاخره زندگی بگذرد، لااقل این هم خودش یک کاری است».

از آن‌جا که در منطقهٔ تحت مطالعه، مردم مشکلات اقتصادی فراوانی داشتند، لذا اکثر آنان بر این باور بودند که دولت می‌تواند با ایجاد سرمایه‌گذاری در منطقهٔ آن‌ها، اوضاع اقتصادی را بهتر سازد.

۶-۳) دولت محوری اقتصادی

در نتیجهٔ مشکلات متعدد اقتصادی و نیز روی آوردن مردم به برخی مشاغل نوین، مردم اورامان بر این باور هستند که دولت می‌تواند با سرمایه‌گذاری در بخشی از اقتصاد دامی،

زراعی، باغی و نیز صنایع دستی آن‌ها به توسعهٔ اقتصادی در منطقه کمک کند. طبق نظر ساکنین منطقه، چنان‌چه دولت محصولات زراعی، باغی، و دامی آن‌ها را پیش خرید نماید و یا در مدرن کردن صنایع دستی آن‌ها اقداماتی به‌عمل آورد و یا این‌که وام‌های اقتصادی به آن‌ها اختصاص دهد، وضع اقتصادی آنان بهتر می‌شود. در همین رابطه یکی از ساکنین عنوان می‌دارد: «.... بله در منطقهٔ ما هم قطعا زمینه‌های پیشرفت اقتصادی هست؛ مثلا همین گیوه‌بافی توسعه پیدا کند یا صنایع سبک خشکبار یا شرکت‌های تعاونی خرید میوه توسط دولت ایجاد شود، خوب است. چون در این‌جا هرساله چند تن انار وخشکبار هست که می‌تواند در اقتصاد منطقه نقش مهمی داشته باشد؛ ما از هر گونه سرمایه‌گذاری دولت استقبال می‌کنیم، یعنی از دولت کمک می‌خواهیم که برایمان کاری می‌کند وگرنه کاری از ما ساخته نیست».

از دیدگاه ساکنین منطقه، در صورت توجه و سرمایه‌گذاری دولت می‌توان لااقل اوضاع اقتصادی را بهتر کرد، چرا که می‌توان حداقل یک سری ظرفیت‌های اقتصادی در اورامان فراهم ساخت.

۷-۳) استقبال از تغییرات ایجاد شده

شرایط سخت زندگی در اورامان باعث شده است که مردم تحت مطالعه. بسیار علاقه‌مند به تغییر و توسعه در زندگی اقتصادی خود باشند. آن‌ها بر این باور بودند که هر تغییری که به بالا رفتن سطح زندگی اقتصادی آنان کمک کند از آن استقبال می‌کنند. در همین خصوص یکی از افراد چنین می‌گوید: «با این وضعیت سخت و کم درآمدی که ما داریم و حتی خود شما هم آمدید و دیدید از هر شغل و فعالیتی که در این‌جا راه بیفتد و وضع زندگی ما را بهتر کند استقبال می‌کنیم و به آن مشغول می‌شویم؛ البته که دوست داریم مشاغل جدید وارد شود».

بنابراین، از دیدگاه ساکنان منطقه هر نوع تغییر و دگرگونی اقتصادی که به بهبود شرایط معیشتی آنان کمک کند مورد استقبال قرار می‌گیرد.

۸-۳) ارزیابی تطبیقی مثبت از وضع کنونی

مردم اورامان با توجه به سختی‌ها و مشکلات اقتصادی گذشته، محدودیت منابع اقتصادی و سایر موانع دیگر، رویکرد و ارزیابی نسبتا مثبتی به وضع کنونی خود داشته و احساس می‌کنند که زندگی آن‌ها نسبت به گذشته به تدریج بهتر شده است؛ اما این بدان معنا نیست که از شرایط کنونی خود نیز رضایت داشته باشند. از نظر اورامی‌ها این بهبود شرایط بسیار نسبی است و تنها در مقایسه با گذشته سطح رفاه افزایش یافته است. در این زمینه یکی از افراد اظهار می‌دارد: «.... وضع زندگی بهتر است الان؛ شکر خدا زندگی آسان تر شده است. وسایل و امکانات زندگی بیش‌تری هست، آب و برق و راه هست. شغل و کار هم تا حدی زیادتر شده است شکر خدا و دعا می‌کنیم زندگی سنتی و سخت ما کاملا نابود شود و چیزهایی بیاید که وضع ما از این که هست بهتر شود».

همان‌طور که در مقولهٔ فوق مطرح شده است، اورامی‌های مورد بررسی وضعیت کنونی را به مراتب در مقایسه با گذشته بهتر دانسته و تلقی بسیار مثبتی از آن دارند، اما هنوز مشکلات معیشتی فراوانی نیز دارند که نسبت به حل آن‌ها ابراز امیدواری می‌کنند.

۴) بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به مقولات عمده وتوضیحات ارائه شدهٔ فوق می‌توان گفت که مفهوم یا مقوله *«ارتقاء معیشتی» به مثابه مقولهٔ* هسته مفهومی است که می‌تواند کلیهٔ مقولات و مباحث فوق را پوشش داده و نیز جنبهٔ تحلیلی داشته باشد. درک تغییرات اقتصادی به مثابهٔ ارتقاء معیشتی در جامعهٔ تحت مطالعه در قالب یک مدل پارادایمیک شامل شرایط، فرآیند / تعامل و پیامد در شکل شمارهٔ ۱ زیر ارائه شده است.

شکل ۱: مدل پارادایمی/ نظریهٔ زمینه‌ای درک پیامدهای تغییرات اقتصادی به مثابهٔ ارتقاء معیشتی

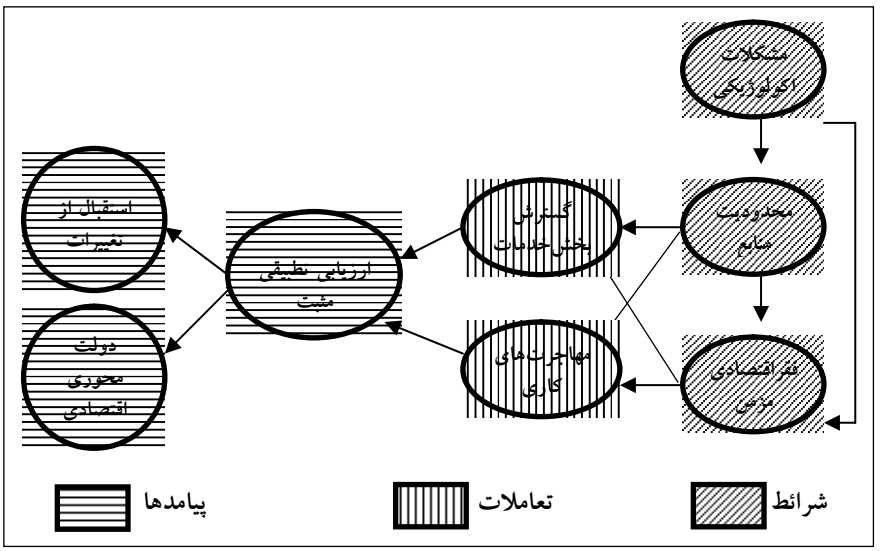

بر اساس مقولهٔ هسته که خود برگرفته و انتزاع شده از سایر مقولات عمدهٔ ارائه شده است، مردم اورامان پیامدهای تغییرات اقتصادی نوین را به مثابهٔ نوعی بهبود و ارتقاء معیشتی درک و ارزیابی می‌کنند؛ بدین معنا که آنان بر این باورند تغییرات اقتصادی ایجاد شده و یا به عبارتی دگرگونی‌هایی که در نظام اقتصادی سنتی آن‌ها پدید آمده است، در راستای توسعه و افزایش سطح زندگی اقتصادی آن‌ها بوده است. مقولهٔ محوری فوق به وضوح بیان‌گر این مطلب است که مردم اورامان با رویکردی مثبت و کارکردی به تغییرات اقتصادی ایجاد شده می‌نگرند.

درک پیامدهای تغییرات اقتصادی به مثابهٔ ارتقاء معیشتی، متاثر از یک سری شرایط و بسترها بوده و در نتیجهٔ تعاملات و فرآیندهای خاصی حاصل شده است. به‌علاوه درک مذکور خود دارای نتایج خاصی نیز می‌باشد که در ادامه، به این نکات توجه می‌شود.

همان‌طور که در مدل فوق نیز نشان داده شده است و پیش‌تر نیز به‌طور ضمنی در بخش میدان مطالعه ذکر شد، یک سری شرایط و بسترها در منطقهٔ اورامان تخت وجود

دارند که باعث ایجاد مسائل و مشکلات اقتصادی متعددی برای مردم آن سامان شده است. این شرایط از نظر مردم منطقه در سه طبقهٔ عمده قرار می‌گیرند که عبارت‌اند از: مشکلات اکولوژیکی، محدودیت منابع و فقر مزمن.

از نظر مردم اورامان، منطقهٔ آن‌ها مکانی است کوهستانی و نسبتا خشک که امکان هرگونه تحرک و پیشرفت اقتصادی را با مشکل مواجه کرده است. اکولوژی منطقه باعث شده است که جبر و فشارهای محیطی و جغرافیایی بر ساختار اقتصادی سنتی و بومی منطقه به شدت تاثیر گذاشته و مانع از رشد و شکوفایی اقتصادی این جامعه شود.

مشکلات اکولوژیکی مورد بحث خود به خود باعث شده است که منابع اقتصادی اندک و محدودی در دسترس بوده و پتانسیل‌های رشد اقتصادی محدودی وجود داشته باشند. کمبود و در برخی نواحی، فقدان زمین زراعی ـ باغی، کمبود مراتع و علوفه برای دامداری (که مردم منطقه را برای چندین ماه از سال مجبور به کوچ کردن و اقامت در ییلاق‌ها می‌کند) و کمبود منابع آبی نمونه‌هایی از این منابع هستند که به میزان بسیار اندکی در دسترس هستند. بر همین اساس، زراعت بسیار محدود، دامداری محدود به چند راس دام، باغداری سنتی و صنایع دستی خرده پا ارکان عمدهٔ اقتصاد سنتی این جامعه را تشکیل می‌دهند.

در نتیجهٔ محدودیت منابع که خود تا حدی ناشی از مشکلات اکولوژیکی آن منطقه است، اکثر ساکنان منطقه از فقر مزمن رنج می‌برند؛ بدین معنا که مردم منطقه از گذشته تاکنون در شرایط دشوار اقتصادی و با درآمدی بسیار پایین می‌زیسته‌اند. به‌علاوه همان‌طور که مردم خود خاطر نشان ساخته‌اند، فقر و محرومیت از مشخصات اکثر ساکنان منطقهٔ اورامان تخت است.

تحت تاثیر شرایط مذکور، مردم اورامان نیز در راستای بهبود وضعیت اقتصادی خود دست به اقداماتی زده‌اند. به عبارت دیگر، در برابر شرایط مذکور واکنش‌ها و تعاملات خاصی از خود بروز داده‌اند که می‌توان آن‌ها را بر طبق نظر ساکنین منطقه در دو مقولهٔ عمده جای داد. این دو مقوله عبارت‌اند از درگیری و اشتغال به فعالیت‌های

اقتصادی خدماتی، و مهاجرت‌های کاری (کارگری در شهرهای مریوان و عمدتا تهران). مشاغل خدماتی مذکور عمدتا شامل مشاغل اداری، آموزشی، مغازه‌داری، رانندگی، و تا اندازه‌ای تجارت خرده پا هستند که تعداد زیادی از مردم را به خود مشغول کرده است.

در کنار این مشاغل، تعداد زیادی از مردم اورامان هر ساله در جستجوی کار به شهرهای دیگر شامل مریوان و تهران مهاجرت می‌کنند. در این فرایند تعدادی از آنان به زادگاه خود برمی‌گردند، حال آن‌که تعدادی دیگر در آن‌جا اقامت می‌کنند، گرچه پیوند خود را با منطقه نسبتا حفظ می‌کنند. در هر حال، مهاجرت‌های کاری یکی از واکنش‌ها و تعاملاتی است که مردم اورامان با شرایط محدودکننده، تحرک اقتصادی خود دارند.

همان‌طور که مدل نشان می‌دهد، در نتیجهٔ تعاملات مذکور، مردم اورامان ارزیابی مثبتی از زندگی کنونی خود دارند. این ارزیابی دارای خصوصیت تطبیقی است؛ بدین معنا که در مقایسه با شرایط دشوار زندگی اقتصادی گذشته عنوان می‌شود. آنان بر این باورند که روی‌هم‌رفته پیدایش مشاغل جدید در کنار فعالیت‌های اقتصادی خارج از اورامان (مهاجرت‌های کاری)، باعث بهبود عمومی سطح زندگی اقتصادی آن‌ها شده است. در نتیجهٔ ارزیابی مذکور، مردم منطقه ضمن استقبال از هرگونه تغییر و توسعه اقتصادی خواهان مساعدت و سرمایه‌گذاری دولت در اقتصاد بومی خود هستند. آن‌ها اعتقاد دارند که می‌توان با مکانیزه کردن برخی از فعالیت‌های اقتصادی بومی و یا تاسیس صنایع سبک مبتنی بر محصولات بومی منطقه، به رشد اقتصادی جامعهٔ آن‌ها کمک کرد.

شرایط، تعاملات و پیامدهای مورد بحث حول محور مقولهٔ هسته در قالب یک مدل پارادایمی ترسیم شده‌اند که منطق تغییرات اقتصادی و ارزیابی مردم اورامان از تغییرات مذکور را به تصویر می‌کشد.

مطالعهٔ حاضر با به کارگیری رویکرد تفسیرگرایی اجتماعی سعی داشته است که از منظر افراد بومی و درگیر به خاستگاه، فرایند و پیامدهای تغییرات اقتصادی در منطقهٔ اورامان بپردازد. در این راستا با استفاده از روش‌شناسی کیفی و ابزار نظریهٔ زمینه‌ای،

نظریه‌ای موقعیتی، خاص، استقرایی و ایدئوگرافیک از درک مردم از تغییر و تحولات اقتصادی منطقهٔ اورامان به‌دست داده شد. این نظریه در واقع بازتاب ارزیابی و فهم مردم از تغییرات در دنیای اقتصادی پیرامون آن‌هاست. در این‌جا، محقق بر اساس منطق روش‌شناسی کیفی، تنها ابزاری برای استخراج، دسته‌بندی و انعکاس وقایعی است که در میدان مطالعه در حال رخ دادن بوده است. یافته‌ها و تحلیل‌های به‌دست آمده با استفاده از روش اعتبار پاسخ‌گو و روش کنترل توسط اعضاء ارزیابی و مورد تایید قرار گرفتند.

References منابع

- Adkins, Lisa.(2002), "Reflexivity and Politics of Qualitative Research", In: Tim. May (eds.), **Qualitative Research in Action**, London, Sage Publications.
- Atkinson, Paul & Hammersly, Martyn. (1999), "Ethnography and Participant Observation", In: Norman Denzin & Yvonna Lincoln (eds**.), Handbook of Qualitative Rresearch**, London, Sage Publications.
- Berg, Bruce.(2001), **Qualitative Research Methods for the Social Sciences**, New York, Allyn and Becon.
- Blaikie, Norman.(2007), **Approaches to Social Inquiry**, London, Polity Press.
- Brewer, John.(1998). **Ethnography**, London, Open University Press.
- Bryman, Alan.(1988),**Quality and Quantity in Social Research**, London, Unwin Humanly Press.
- Calhoun,Craig.(1995),**Critical Social Theory: Culture, History and the Challenge of Difference**, Basil Blackwell Publisher.
- Chambers, Robert. (2005), **Ideas for Development**, James & James/Earthscan Press.
- Collins, Randall. (1994), **Four Sociological Traditions**, London, Oxford Press.
- Creswell,John.(2001), **Research Design:Quantitative, Qualitative, and Mixed Methods**, London, Sage Publication.
- Denzin. Norman & Lincoln, Yvonna. (1998), **Landscape of Qualitative Research: Theories and Issues**, London, Sage Publications.
- Denzin, Norman & Lincoln, Yvonna. (2005), **The Sage Handbook of Qualitative Research**, Third Edition, London, Sage Publication.
- Echardt, Kenneth. (1997), **Social Research Methods**, London, Random House Press.
- Elliott, Anthony & Turner, Bryan. (2001**), Profiles in Contemporary Social Theory**, London & Thousand Oaks, Sage Publication
- Emerson, Robert.; Fretz, Rachel. & Shaw, Linda. (1995), **Writing Ethnographic Fieldnote**, Chicago, University of Chicago Press.
- Erlandson, David. (1993), **Doing Naturalistic Inquiry**, London, Sage Publications,
- Esterberg, Kristin. (2001), **Qualitative Methods and Process**, Second Edition, London, Open University Press,

References منابع

- Fay, Brian. (1996), **Contemporary Philosophy of Social Science**, Oxford, Blackwell Publication.
- Fetterman, David. (1998), **Ethnography Step by Step**, Second Edition, London, Sage Publications.
- Giddens, Anthony. (1984),**The Constitution of Society**, London, Polity Press.
- Glaser, Barney & Strauss, Anselm. (1967), **Discovery of Grounded Theory**, Transaction Publishers, U.S. Publisher.
- Guba, Egon & Lincoln, Yvonna. (1985), **Naturalistic Inquiry**, Beverly Hills, CA, Sage.
- Hammersly, Martyn & Atkinson, Paul. (1997), **Ethnography: Principles in Practice**, Second Edition, New York, Rutledge Press.
- Johnson, Jeffry. (1989), **Selecting Ethnographic Informants**, London, Sage Publication.
- Jorgenson, Danny. (1989), **Participant Observation**, London, Sage Publications.
- Layder, Derek. (1997)**, Modern Social Theory**, London, Taylor & Francis Ltd Publication.
- Lee, Raymond. (2000), **Unobtrusive Research Methods**, London, Open University.
- Liamputtong, Pranee & Ezzy, Douglas. (2001), **Qualitative Research Methods: A Health Focus,** London, Oxford Universiy Press.
- Liobera, Joseph. (1998), "Historical and Comparative Research," In: Clive, Seale (eds.), **Researching Society and Culture**, London, Sage Publications.
- Maxwell, Joseph. (2004), **Qualitative Research Design: An Interactive Approache**, Second Edition, London, Sage Publications.
- May, Tim. (1998), **Social Research: Issue, Methods and Process**, London, Open University Press.
- May, Tim. (2002), **Qualitative Research in Action**, London, Sage Publications.
- Morse, Janice. (2001), "Situating Grounded Theory within Qualitative Inquiry", In: Rita Shereiber & Phyllis Noerager Stern (eds.), **Using Grounded Theory in Nursing**, New York, Springer Publishing Co.

References منابع

- Neuman, Lawerenc. (2006), **Social Research Methods:Quantitative and Qualitative Approaches**, Fourth Edition, London, Allyn and Bacon.
- Oreily, Karen. (2005), **Ethnogarphic Methods**, London, Rutledge Press.
- Patton, Michael. (2001), **Qualitative Research & Evaluation Methods**, London, Sage Publications.
- Reinhartz, Shulamit. (1992), **Feminist Methods in Social Research**, London, Oxford University Press.
- Ritchie, Jane & Lewis, Jane. (2005), **Qualitative Research Practice: A Guide for Social Science Students and Researchers**, London, Sage Publication
- Ritzer, George. (2004), **Modern Sociological Theory**, London, McGraw-Hill College Publisher..
- Sanjek, Roger. (1990), **Fieldnotes: The Makings of Anthropology**, Ithaca, Cornell University Press.
- Sardan, Oliver. (2005), **Anthropology of Development**, London, Zed Book Press.
- Seale, Clive. (1998), **Researching Society and Culture**, London, Sage Publications.
- Sharan, Miriam. (2002), **Qualitative Research and Case Study: Applications in Education**, San Francisco, Jossey-Bass Publishers.
- Shereiber, Rita & Noerager Stern, Phyllis. (2001), **Using Grounded Theory in Nursing**, New York, Springer Publishing Co.
- Sirken, Monroe; Herrmann, Douglas. & Schechter, Susan. (1999). **Cognition and Survey Research,** New York, John Wiely & Sons.
- Stake, Robert. (1995), **The Art of Case Study Research**, London, Sage Publications.
- Strauss, Anselm & Corbin, Juliet. (1998), **Basics of Qualitative Research**, London, Sage Publications.
- Thomas, Jim. (1993), **Doing Critical Ethnography**, London, Sage Publications.
- Turner, Jonathan. (2003), **Structure of Sociological Theory**, New York, Wadsworth Publication.
- Walsh, David. (1998), "Doing Ethnography", In: Clive Seale (eds.), **Researching Society and Culture**, London, Sage Publications.